

نقش سازمان بهزیستی در فرآیند سرپرستی از کودکان و نوجوانان بی سرپرست یا بدسرپرست^۱

حمیدرضا صالحی^۲

فاطمه رضایی^۳

نرگس باقری مطلق^۴

چکیده

به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تکالیف مهمی برعهده سازمان بهزیستی قرار گرفته است. هدف، تبیین نقش و جایگاه و حدود و نفوذ مداخله سازمان بهزیستی در فرآیند فرزندخواندگی وفق قانون مصوب ۱۳۹۲ است. بعد از آن مفهوم فرزندخواندگی (فرزندپذیری)، قانون ۱۳۹۲، آیین نامه‌ها و ضوابط و مقررات مربوط به آن بررسی، و سعی شد تا در خلال مباحث مطرح شده، بدین سؤال جوابی درخور داده شود که قانونگذار چه وظایف و نقش‌هایی را در فرآیند فرزندخواندگی به بهزیستی داده است و چالش‌های اجرایی سازمان بهزیستی در اجرای قانون چه می‌تواند باشد. مهم‌ترین نتیجه به دست آمده، این بود که قانونگذار علاوه بر واگذاری امور سرپرستی به سازمان بهزیستی، مرجعیت کارشناسی سازمان را در فرآیند سرپرستی پذیرفته است، و برخی وظایف محوله سازمان بهزیستی نظیر اعلام نظر کارشناسی ظرف مهلت دو ماهه به دادگاه صالح، ساماندهی سرپرستی‌های غیرقانونی و نظارت تا پایان دوره سرپرستی در اجرا با موانع و مشکلاتی مواجه است.

کلیدواژه‌ها

حکم سرپرستی، بدسرپرست، بی سرپرست، سازمان بهزیستی، سرپرستی، فرزندخواندگی، کودکان و نوجوانان

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱/۱۴

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Salehi_hamid1202@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد کاشان، کاشان، ایران

ftmh_rz@yahoo.com

۴- دانش‌آموخته دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، مدرس دانشگاه، تهران، ایران

narges_5139@yahoo.com

مقدمه

نخستین اقدام قانونی در حقوق ایران برای تنظیم روابط حقوقی میان کودک و خانواده فرزندپذیری که سرپرستی از کودکان بی سرپرست را بر عهده می‌گیرند، قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» مصوب سال ۱۳۵۳ است. این قانون هفده ماده‌ای به بیان شرایط زوجین، شرایط کودک تحت سرپرستی و تشریفات صدور رأی توسط دادگاه پرداخت. همچنین به صراحت، فرزندخواندگی ایرانیان غیرشیعه را مشمول قانون ندانست. اما با توجه به اینکه حقوق ایران به خصوص در موضوعات مربوط به خانواده و ارث و نکاح از فقه امامیه گرفته شده است، به دلیل آن که واکنش نامناسبی در جامعه به وجود نیاید، برای قانون عنوان فرزندخواندگی را انتخاب نکرد و آن را با عنوان «سرپرستی» معرفی کرد (رضایی، نصر، الوند، ۱۳۸۷، ص ۳۶).

از آنجا که بهترین محیط برای پرورش کودک، محیط خانواده است و مراکز شبانه‌روزی به‌رغم صرف هزینه و وقت بسیار در مقایسه با نهاد خانواده کارکرد ضعیف‌تری دارند^۱، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ با هدف حمایت بیشتر از کودکان، قانون فوق‌الذکر را لغو و «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست» را تصویب کرد. آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به مواد ۲۲ و ۳۶ قانون نیز در سال ۱۳۹۴ توسط هیئت وزیران تهیه و مصوب شد.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، نقش‌هایی را به سازمان بهزیستی محول کرده است. نوین‌بودن این قانون، زمینه‌ساز طرح برخی سؤالات در فرآیند اجرا توسط سازمان بهزیستی است؛ از این رو به شیوه مداخلات قانونی و تخصصی سازمان بهزیستی در فرآیند انتقال کودکان و نوجوانان به خانواده‌های متقاضی پرداخته شده است. در نهایت، به این سؤال اساسی جوابی درخور داده شده است که قانونگذار چه وظایف و نقش‌هایی را در فرآیند فرزندخواندگی به بهزیستی محول کرده است. دیگر آنکه سازمان بهزیستی در روند اجرای قانون با چه مشکلاتی مواجه است. مهم‌ترین یافته این پژوهش، این بود که قانونگذار علاوه بر واگذاری امور سرپرستی به سازمان بهزیستی، مرجعیت کارشناسی سازمان را در فرآیند سرپرستی پذیرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برخی از وظایف محوله سازمان بهزیستی نظیر اعلام‌نظر

۱. تحقیقات به عمل آمده، پیامدهای اسفبار عدم ایجاد حس دل‌بستگی، اختلالات هیجانی، کمبود وزن، عقب‌ماندگی ذهنی کودکان مراکز در مقایسه با کودکان خانواده را نشان می‌دهد (اسپیتز، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۵ به نقل از برک، ۱۳۸۶: A last resort, 2003, IP).

کارشناسی ظرف مهلت دو ماهه به دادگاه صالح، ساماندهی سرپرستی‌های غیرقانونی و نظارت تا پایان دوره سرپرستی با چالش‌هایی در اجرا مواجه است.

در مقاله حاضر براساس روش کتاب‌خانه‌ای و با مطالعه منابع مکتوب و اسناد حقوقی، نقش و جایگاه و حدود و ثغور مداخله سازمان بهزیستی در فرآیند فرزندخواندگی برابر قانون ۱۳۹۲، آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و سایر ضوابط و مقررات سازمان بهزیستی بررسی شده است.

بیان مسئله

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ در مواد متعدد سازمان بهزیستی را به‌عنوان مرجع کارشناسی در فرآیند سرپرستی از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شناخته است. هم‌چنین وظیفه دریافت تقاضانامه برای سرپرستی از کودکان و نوجوانان فوق را به ادارات بهزیستی محل اقامت درخواست‌کنندگان محول کرده است. به استناد ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی باید حداکثر به مدت دو ماه نسبت به تشکیل پرونده فرزندپذیری برای درخواست‌کنندگان اقدام و نظریه کارشناسی خود را به دادگاه صالح ارائه دهد. بهزیستی بعد از دریافت تقاضانامه و مدارک مربوط به مشخصات فردی متقاضیان سرپرستی مانند شناسنامه، کارت ملی و سند نکاحیه، اقداماتی نظیر مصاحبه اولیه با متقاضیان، بازدید منزل مددکاری، اخذ استعلام از اداره تشخیص هویت، سازمان پزشکی قانونی، دفاتر مشاوره جهت احراز صلاحیت متقاضیان را انجام می‌دهد. چنانچه متقاضیان ایرانی مقیم خارج از کشور باشند، اقدامات موصوف توسط کلینیک‌های فرزندخواندگی کشور محل اقامت انجام و مدارک و مستندات توسط سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌ها یا دفاتر حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران به بهزیستی ارسال می‌شود (دستورالعمل اجرایی ماده ۴، ۱۳۹۶). علاوه بر بررسی صلاحیت متقاضیان، اقدامات مربوط به بررسی و تهیه گزارش جامع از وضعیت پدر، جدپدری، مادر و وصی کودکی که سازمان قصد دارد سرپرستی او را به متقاضیان بسپارد نیز توسط سازمان بهزیستی صورت می‌گیرد. بعد از حصول اطمینان از اینکه سرپرستان کودک به دلایل فوت، عدم شناسایی یا عدم صلاحیت امکان سرپرستی را ندارند، گزارش کارشناسی سازمان بهزیستی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌شود. متعاقب اقدامات صورت‌گرفته توسط سازمان بهزیستی، مرجع قضایی مدارک را بررسی و تصمیم خود را در قالب قرار آزمایشی شش‌ماهه سرپرستی اتخاذ می‌کند. نظارت بر وضعیت کودک در خانواده فرزندپذیر و ارائه گزارش کارشناسی در دوره آزمایشی نیز برعهده سازمان بهزیستی است؛ زیرا بعد از اتمام این دوره، دادگاه براساس نظر کارشناسی سازمان بهزیستی، حکم سرپرستی دائم را

صادر می‌کند. حتی بعد از صدور حکم سرپرستی دائم، سازمان باید تا پایان دوره سرپرستی یا فسخ حکم (حسب مورد) بر وضعیت کودک در خانواده فرزندپذیر نظارت کند (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۵).

سبک و سیاق مواد ۱۲ و ۱۳ قانون به گونه‌ای تصویب شده که با روال معمول مقنن تا حد زیادی متفاوت است؛ زیرا اولاً ارجاع امر به کارشناس در حیطة اختیارات دادگاه یا درخواست یکی از اصحاب دعوی است، در حالی که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، قاضی مکلف به أخذ نظریه کارشناسی سازمان بهزیستی است؛ ثانیاً، اعتبار نظر کارشناس همواره با دادگاه است، بدین معنا که دادگاه الزامی به پذیرش نظریه کارشناس ندارد. اما برخلاف این اصل، قانون‌گذار سال ۱۳۹۲، دادگاه را مکلف کرده تا با احراز شرایط مقرر قانونی و با لحاظ نظریه سازمان بهزیستی، نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی و پس از آن، صدور حکم سرپرستی اقدام کند. هم‌چنین فسخ حکم سرپرستی را منوط به أخذ نظر کارشناسی سازمان بهزیستی کرده است. از مجموع این مواد و ماده ۲ که بیان کرده امور راجع به سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با سازمان بهزیستی است، به نظر می‌رسد که اختیار سازمان بهزیستی از حد مرجعیت کارشناسی فراتر رفته است؛ هرچند که مقنن به روشنی این موضوع را بیان نکرده است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. معنای فرزندخواندگی

فرزندخواندگی از «فرزند خواندن» گرفته شده است، به این معنی که شخص بیگانه‌ای را که با او نسبت فرزندى ندارد، فرزند خود بخواند (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه). معادل انگلیسی این واژه "Adoption" (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸)، و معادل عربی آن «تبنتی» است (آذرتاش، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷). فرزندخواندگی از نظر حقوقی، عملی است که موجب پیدایش رابطه فرزندى صوری بین دو شخص می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۷).

امروزه در رژیم‌های حقوقی دنیا انواع خاصی از فرزندخواندگی وجود دارد. در فرزندخواندگی ساده، کودک علقه‌های خود را با والدین زیستی حفظ می‌کند و فقط از بعضی مزایای فرزند واقعی بهره‌مند می‌شود، اما در فرزندخواندگی کامل، رابطه عمیق‌تری بین خانواده و فرزندخوانده ایجاد می‌شود. در این نوع، تفاوتی بین فرزند زیستی و فرزندخوانده وجود ندارد (مامی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴). در جریان فرزندخواندگی بین‌المللی، طرفین رابطه دارای تابعیت واحد نیستند (غمامی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). فرزندخواندگی مدرن با تشکیل جنین در آزمایشگاه و انتقال به رحم زن ثالث انجام می‌شود. فرزندخواندگی مدرن معمولاً هنگامی اتفاق می‌افتد که والدین متقاضی به‌طور خصوصی با والدین

زیستی درباره استقرار کودک در خانواده فرزندپذیر مذاکره می‌کنند. این مذاکره اغلب زمان بارداری مادر صورت می‌پذیرد و مستلزم مبادله مبالغ بالای پول است. در این شیوه مؤسسات، کودک را از والدین زیستی و با میل خود تحویل می‌گیرند. این مؤسسات طبق فهرستی که از متقاضیان فرزندپذیری دارند، والدین فرزندپذیر را انتخاب می‌کنند. در بیشتر موارد، والدین زیستی و والدین فرزندپذیر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا اطلاعات لازم بین آنها مبادله شود (رزاقی، ۱۳۸۵، ص ۵).

۲. معنای سرپرستی

فرآیندی است که در آن رابطه والد- فرزند (البته نه به صورت شرعی و قرابت نسبی) به صورت قانونی، عاطفی و اجتماعی بین یک کودک یا نوجوان بی‌سرپرست یا بدسرپرست با زوجین دارای فرزند یا بدون فرزند یا زن و دختر بدون شوهر برابر حکم دادگاه صالح و مطابق با مقررات قانون ۱۳۹۲ در قالب احکام حقوقی قیّم، امین موقت یا شخص تحت سرپرستی (فرزندخوانده) برقرار می‌شود. در این فرآیند، تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند (ماده ۱۷ قانون مرقوم). البته این رابطه حقوقی موجب از بین رفتن حقوق کودک یا نوجوان در خانواده اولیه خود نظیر نفقه، ارث، ممنوعیت نکاح نخواهد شد (بین‌نامه فرزندخواندگی، ۱۳۸۵).

سازمان بهزیستی و تکالیف آن در مقوله سرپرستی

سازمان بهزیستی کشور، سازمانی است حمایتی که براساس قوانین و مقررات موجود با عرضه خدمات پیشگیری، اجتماعی، توان‌بخشی و آموزشی برای حفظ و ارتقای شاخص‌های سلامت و رفاه اجتماعی به منظور حمایت و توانمندسازی و ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های هدف، فعالیت و نظارت می‌کند. این سازمان در سال ۱۳۵۹ از ادغام ۱۴ سازمان، انجمن، واحد حمایتی، بیمارستان و ... تشکیل شد. در سال ۱۳۸۳ براساس قانون ساختار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، این سازمان، به همراه سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه خدمات درمانی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی منفک و به زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ملحق شد (گزارش عملکرد بهزیستی در دولت نهم، ۱۳۸۷، ص ۸).

تکلیف سازمان بهزیستی از زمان تقدیم تقاضانامه درخواست‌کنندگان

سرپرستی تا صدور قرار آزمایشی

برابر ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی مکلف به بررسی صلاحیت متقاضیان سرپرستی ایرانی (مقیم ایران یا خارج از کشور) و اعلام گزارش به دادگاه صالح است. هم‌چنین بررسی صلاحیت اشخاصی که به صورت غیرقانونی اقدام به نگهداری کودک دیگری کرده‌اند و قصد دارند سرپرستی کودک را به صورت قانونی بر عهده بگیرند نیز به بهزیستی محول شده است. بررسی شرایط کودک، معرفی متقاضیان باصلاحیت و کودک موردنظر، جهت واگذاری به دادگاه صالح نیز از جمله تکالیف قانونی این سازمان حمایتی است.

۱- بررسی صلاحیت متقاضیان سرپرستی و اعلام نظر کارشناسی به دادگاه صالح

برابر ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ متقاضیان مقیم ایران باید شخصاً یا توسط نماینده قانونی، تقاضانامه و مدارک مربوط به مشخصات خود را به اداره بهزیستی محل اقامت خود تحویل دهند. وفق ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ایرانیان مقیم خارج از کشور مکلف‌اند تقاضانامه و مدارک خود را به سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و یا دفاتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران تقدیم کنند تا از طریق دفاتر دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به سازمان بهزیستی ارسال شود (دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون). برابر ماده ۱۱ قانون، از زمان دریافت تقاضانامه، سازمان بهزیستی مکلف است حداکثر ظرف دو ماه نسبت به بررسی صلاحیت متقاضیان اقدام و نظر کارشناسی خود را به دادگاه صالح تقدیم کند.

به منظور انطباق وضعیت متقاضیان با شرایط مصرح در مواد ۳، ۴، ۵ و ۶ قانون ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی علاوه بر بررسی مدارک هویتی، تحصیلی، مالی و ... از ابزارهایی نظیر مصاحبه، بازدید مددکاری اجتماعی، استعلام از مراجعی نظیر سازمان پزشکی قانونی، اداره تشخیص هویت، بهره‌گیری از نظر مشاوران مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی و امثال آن استفاده می‌کند (آیین‌نامه فرزندخواندگی، ۱۳۸۵). مقنن بهزیستی را مکلف کرده است از زمان تقدیم تقاضانامه سرپرستی، حداکثر ظرف دو ماه نظریه خود مبنی بر تأیید صلاحیت و امکان واگذاری کودک متناسب با شرایط متقاضیان را به دادگاه صالح ارائه دهد.

با توجه به اهمیت اقدامات سازمان بهزیستی در این مرحله، به نظر می‌رسد مهلت دو ماهه با واقعیت موجود همخوانی ندارد؛ زیرا بررسی مدارک و استعلام‌های مربوط به صلاحیت متقاضیان به‌ویژه شرکت آنان در جلسات مشاوره نیازمند زمان بیش‌تری است. بهزیستی نیز باید زمانی نظر

کارشناسی خود را به دادگاه تقدیم کند که امکان واگذاری کودک را نیز داشته باشد؛ درحالی که در بسیاری از موارد، بهزیستی، کودک متناسب با شرایط متقاضیان را در اختیار ندارد یا آنکه متقاضیان به سبب سن بالای کودک، بیماری وی، شناخته‌بودن والدین و ... تمایل به پذیرش برخی از کودکان پیشنهادی سازمان بهزیستی را ندارند.

۲- بررسی صلاحیت سرپرستان غیرقانونی توسط سازمان بهزیستی

به استناد تبصره ۱ ماده ۶ و مواد ۲۹ و ۳۰ قانون و آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ بررسی صلاحیت اشخاصی که به صورت غیرقانونی اقدام به نگهداری کودک دیگری کرده‌اند و قصد دارند به صورت قانونی سرپرستی را ادامه دهند، نیز به بهزیستی محول شده است. برابر ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ متقاضیان سرپرستی که ادعای یافتن طفلی را دارند، موظفاند مراتب را در اسرع وقت به اداره‌های بهزیستی محل یافتن طفل اعلام کنند. اداره‌های بهزیستی مکلفاند مراتب را به ضمیمه مدارک و گزارش‌های لازم جهت اثبات ادعای یابنده به مراجع قضایی منعکس کنند. همچنین تبصره ۱ همین ماده بیان داشته است که پس از اثبات ادعای یابنده طفل در دادگاه، در صورتی که یابنده متقاضی سرپرستی و واجد شرایط باشد با رعایت فرایندهای مقرر در اولویت واگذاری است. تبصره ۲ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی مقرر داشته است که به تشخیص سازمان بهزیستی تا زمان تکمیل تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی توسط مراجع ذی‌صلاح، کودک یا نوجوان با معرفی دادگاه صالح توسط سازمان یا یابنده نگهداری خواهد شد.

اعطای مهلت شش‌ماهه برای مراجعه سرپرستان غیرقانونی به سازمان و دادگاه، جهت تعیین تکلیف ادامه سرپرستی و نیز پیش‌بینی پیگرد قضایی پس از مهلت اعطاشده مقرر در ماده ۲۹، سازوکار کنترل موضوع سرپرستی غیرقانونی توسط قانونگذار بود. اما به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۳۰ و تبصره ۲ ماده ۶، قانونگذار به هدف خود در ماده ۲۹ دست نیابد. در نظر گرفتن حق تقدم برای یابندگان طفل و افرادی که بنابه دلایل موجه و یا تحت شرایط خاص، سرپرستی کودک یا نوجوانی را حداقل یکسال پیش از سپردن به سازمان، عهده‌دار شده‌اند، می‌تواند سازمان بهزیستی را با سرپرستانی مواجه کند که واجد شرایط قانونی نیستند، اما به جهت رعایت اصل مهم رعایت مصالح عالی‌ه کودک برابر پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، شاید امکان جدایی کودک از آنان، به سبب انس و الفت ایجاد شده فی‌مابین، به مصلحت نباشد.

۳- پیشنهاد کودک متناسب با شرایط متقاضیان سرپرستی

پس از بررسی شرایط متقاضیان سرپرستی، باید کودکی جهت سرپرستی به آنان پیشنهاد شود که متناسب با شرایط آنان باشد. تعیین کودک متناسب، از سه منظر سن و وضعیت والدین و خصائص شخصیتی کودک، بررسی می‌شود.

۴- کودکان واجد شرایط از منظر مقنن

شرایط سنی کودک و وضعیت سرپرستان زیستی کودک موضوعی است که قانون‌گذار در مواد ۸ و ۹ قانون ۱۳۹۲ به آن توجه کرده است. قانون‌گذار چهار گروه از کودکان را واجد شرایط در نظر گرفته است: **گروه اول**، امکان شناخته‌شدن پدر و مادر و جدپدیری کودک یا نوجوان وجود نداشته باشد. کودکان رهاشده توسط والدین، در این گروه جای می‌گیرند. قانونگذار در مورد نحوه اثبات اینکه امکان شناخت والدین کودک وجود ندارد، راهکاری ارائه نداده است، ولی به نظر می‌رسد جهت اثبات، ادارات سرپرستی دادسرا باید از کلیه طرق و وسایل تحقیق، مانند تحقیق در محل یافتن کودک، سؤال از گواهان، اعلان در جراید و ... بهره‌برداری کند؛ **گروه دوم**، کودکانی که والدین آنان در قید حیات نباشند. ارائه مدارک مربوط به فوت والدین به دادگاه صالح، راهکار مناسبی برای اثبات این امر است؛ **گروه سوم**، کودک یا نوجوانی است که سرپرستان آنان به‌رغم دارا بودن صلاحیت‌های اخلاقی، به دلایلی نظیر سهل‌انگاری، استنکاف از وظایف والدینی، ازدواج مجدد و عدم‌پذیرش کودک توسط همسر دوم و ... با حکم مراجع صلاحیت‌دار به سازمان بهزیستی سپرده شده‌اند. قانون‌گذار به والدین فرصت داده است ظرف دو سال از تاریخ سپردن کودک به سازمان بهزیستی نسبت به سرپرستی او تصمیم بگیرند. چنانچه تا دو سال جهت سرپرستی کودک مراجعه نکنند، امکان واگذاری سرپرستی کودک آنان به متقاضیان واجد شرایط وجود دارد.^۱ قانون‌گذار در ماده ۹ قانون، کودک یا نوجوان نابالغی را که بی‌سرپرست و بدسرپرست است، به صورت مطلق واجد شرایط دانسته است، لکن برای فرد بالغ زیر شانزده سال قیودی را در نظر گرفته است: مانند اینکه فرد غیررشید باشد یا به تشخیص دادگاه، نیاز داشته باشد که سرپرستی برایش انتخاب شود. ویژگی شخصیتی کودک و توجه به تناسب

۱- مطابق قانون اصلاح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶، بررسی عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین(عدم صلاحیت) و نیز تصمیم مقتضی برای حضانت کودک، بر عهده محکمه(دادگاه) است. از آنجایی که هر دو اقدام عدم صلاحیت و تصمیم جهت تعیین سرپرست برای کودک، با هم در ارتباط کامل هستند، دادگاه - به استناد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی - می‌تواند طی یک پرونده و توأمان به هر دو رسیدگی کند.

سنی، جنسی، وضعیت جسمانی، روانی، شخصیتی، رفتاری و ... بین کودک یا نوجوان و متقاضیان سرپرستی نیز با توجه به نظریه کارشناسی سازمان بهزیستی الزامی است و می‌تواند منجر به یک فرزندپذیری موفق شود (رزاقی، ۱۳۹۶، ص ۳۶-۳۹).

۵- ارسال پرونده به دادگاه صالح و دفاع از حقوق کودک

در پی اقدامات فوق، سازمان بهزیستی باید پرونده درخواست‌کنندگان سرپرستی را به دادگاه صالح ارسال کند. مطابق ماده ۳۲ قانون ۱۳۹۲ و بند ۱۶ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، دادگاه خانواده محل اقامت متقاضی صلاحیت صدور حکم سرپرستی را دارد.

ماده ۲ قانون ۱۳۹۲، مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و سازمان بهزیستی را به‌عنوان مرجعی بالاتر از حد یک کارشناس پذیرفته است. کارشناسی که پرونده فرزندپذیری را تشکیل داده، نسبت به صلاحیت متقاضیان و بررسی شرایط کودک متناسب با وضعیت متقاضیان اظهار نظر می‌کند. علاوه بر ویژگی کارشناسی، به عنوان خوانده در جلسات دادرسی شرکت می‌کند. به تجویز ماده ۳۴ قانون، می‌توان در هر مرحله‌ای به آراء سرپرستی اعتراض کرد؛ بنابراین، بهزیستی در جایگاه خوانده متعاقباً می‌تواند نسبت به رأی صادر شده درخواست تجدیدنظرخواهی دهد؛ زیرا سازمان بهزیستی برابر ماده واحده لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹، متولی امور کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست است. موضوعی که قانونگذار در سال ۱۳۹۲ به آن مجدداً اذعان کرده است.

تکلیف سازمان بهزیستی از زمان صدور قرار سرپرستی آزمایشی تا صدور

حکم سرپرستی

با توجه به ماده ۲ قانون مبنی بر تکلیف سازمان بهزیستی در امور راجع به سرپرستی و نظارت و پیگیری کلیه حمایت‌های مادی و غیرمادی از کودک و خانواده در طول دوره سرپرستی یعنی از زمان صدور قرار آزمایشی تا صدور حکم سرپرستی و از زمان صدور حکم سرپرستی تا پایان دوره سرپرستی برعهده سازمان بهزیستی است. وظیفه بازدید منزل مددکاری، مداخلات تخصصی، اعمال تمهیدات لازم در زمان خروج کودک از کشور توسط سازمان، جملگی بر وظایف نظارتی بهزیستی در این دوره تأکید دارد. به استناد مواد ۱۴، ۱۵ و ۲۱ قانون مصوب ۱۳۹۲، نظارت بر انجام تعهدات مادی سرپرستان به نفع کودک یا نوجوان، اعمال حمایت غیرمادی از کودک و خانواده فرزندپذیر نظیر برقراری دوره مراقبت معادل مرخصی زایمان برای زنی که سرپرستی فرزند را قبول کرده، برخورداری از حق اولاد و مزایای بیمه درمان و بیمه‌های تکمیلی در همین رابطه است. پیگیری جهت

صدور حکم سرپرستی دائم یا فسخ قرار آزمایشی (در صورت نامطلوب بودن شرایط کودک) در ادامه تکالیف قانونی سازمان بهزیستی در این دوره، توسط مقنن پیش‌بینی شده است.

۱- نظارت بر وضعیت کودک در دوره سرپرستی آزمایشی

برابر ماده ۳۳ قانون ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی مکلف است از زمان صدور قرار آزمایشی شش‌ماهه و تحویل کودک یا نوجوان به خانواده فرزندپذیر تا زمان صدور حکم سرپرستی دائم بر وضعیت کودک در خانواده نظارت کند تا این اطمینان حاصل شود که هدف مقنن در جهت تأمین مادی و معنوی کودک به انجام رسیده است (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۴۲-۴۴).

در تکمیل ماده ۳۳ قانون و در جهت تبیین فرآیند اجرای نظارت، ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ قانون، تکلیف نظارت بر وضعیت کودک یا نوجوان در خانواده را مورد حکم قرار داده است. از آن جایی که ممکن است کودک یا نوجوان از همان ابتدا برابر ماده ۴ قانون، به ایرانیان مقیم خارج از کشور سپرده شود یا اینکه سرپرستان متعاقباً در دوره قرار آزمایشی یا بعد از آن بخواهند به خارج از کشور سفر کنند یا در آنجا اقامت دائم داشته باشند، ماده ۱۳ آیین‌نامه ماده ۳۶ ترتیبی مقرر کرده است تا سازمان بهزیستی بتواند از امکانات سفارت‌خانه یا کنسول‌گری یا دفاتر حفاظت از منافع استفاده کند. این نظارت باید همسو با قوانین و مقررات کشور محل اقامت باشد (دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون).

بازدید منزل در مددکاری اجتماعی از ابزارهای تحت اختیار سازمان بهزیستی است تا بتواند از این طریق نقش نظارتی خود را ایفا کند. بازدید منزل در مددکاری اجتماعی از یک طرف، وسیله‌ای است برای کسب شناخت نسبت به مشکلاتی که در ساخت اجتماعی خانواده فرزندپذیر وجود دارد. از طرف دیگر مددکار اجتماعی ضمن بازدید منزل به ارزیابی ساخت خانواده به‌عنوان یک منبع کمکی برای حل مشکل می‌پردازد (سطوتی، ۱۳۹۲، ص ۲)، بنابراین بازدید منزل مددکاری در این دوره به کسب اطلاعات از وضعیت کودک در خانواده فرزندپذیر منجر خواهد شد. مداخلات حرفه‌ای مددکار در این دوره می‌تواند به استقرار پایدار کودک در خانواده کمک کند؛ اتفاقی که در نهایت منجر به صدور حکم سرپرستی خواهد شد. پیگیری و نظارت بر وضعیت فرزند در خانواده و تهیه گزارش مددکاری و ثبت در پرونده، اعلام تأیید وضعیت کودک در خانواده به مقامات مافوق و در نهایت انعکاس این امر به دادگاه صالح جهت صدور حکم سرپرستی، هدف بازدید منزل و سایر اقدامات مددکاری اجتماعی است. البته چنانچه برابر اقدامات مددکاری انجام‌شده مشخص شود وضعیت کودک در خانواده مطلوب نیست و به‌رغم مداخلات تخصصی، استمرار حضور کودک در خانواده به مصلحت کودک نیست، می‌بایست موضوع در اسرع وقت به مقامات مافوق گزارش شود (ضوابط و مقررات مددکاری اجتماعی، ۱۳۸۴)؛

بنابراین، چنانچه در بازدید منزل مددکاری اجتماعی، گزارش مطلعان یا هر روش دیگری، سازمان بهزیستی از وضعیت نامطلوب کودک در خانواده مطلع شود باید مداخلات تخصصی صورت گیرد. مداخلات می‌تواند ارائه خدمات تخصصی نظیر مشاوره، حمایت‌های مالی و امثالهم باشد. در کلیه مراحل انجام این فرآیند، اصل اساسی، تأمین منافع عالیۀ طفل یا نوجوان تحت سرپرستی است. در صورتی که به‌رغم مداخلات تخصصی، زندگی کودک نزد خانواده فرزندپذیر به مصلحت نباشد، باید تقاضای فسخ قرار آزمایشی به دادگاه تقدیم شود (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

۲- اذن خروج کودک از کشور در دوره سرپرستی آزمایشی

فرض خروج کودک از کشور در دوره سرپرستی آزمایشی بنابه دلایلی چون؛ اقامت سرپرستان در خارج از کشور، تصمیم به اقامت موقت یا دائم آنان در خارج از کشور، سفرهای ضروری یا تفریحی و غیره متصور است. در صورتی که سرپرستان قصد خروج کودک از کشور را در طول دوره آزمایشی داشته باشند، وفق ماده ۲۳ قانون، این امر صرفاً با موافقت سرپرستان و دادستان صورت خواهد گرفت. اما دادستان بعد از جلب نظر کارشناسی سازمان بهزیستی در این خصوص تصمیم‌گیری می‌کند. به استثناء سفرهای واجب کودک و بنا بر برابر تکلیف مقرر در تبصره ۱ ماده ۲۳؛ سرپرستان تا پایان دوره آزمایشی باید تضمین مناسبی به دادستان بپردازند. تضمین مذکور به سبب آن است که اگر وضعیت کودک در دوره آزمایشی مطلوب گزارش نشود، بعد از فسخ قرار آزمایشی امکان بازگرداندن کودک به ایران وجود داشته باشد.

کلیه امور راجع به سرپرستی - در دوره قرار آزمایشی - باید تحت نظارت کامل بهزیستی و دادگاه انجام شود تا پس از حصول اطمینان از مصلحت کودک، حکم سرپرستی صادر شود. برای تحقق این امر، قانون‌گذار سپردن تضمین مناسب به دادستان و الزام سازمان بهزیستی در مورد رعایت حقوق کودک به طریق اطمینان‌بخش در خارج از کشور را شرط کرده است. در خصوص شرط رعایت حقوق کودک به طریق اطمینان‌بخش توسط سازمان بهزیستی، ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ قانون دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ همان قانون مصوب ۱۳۹۴ به شماره ۷۰/۹۷/۴۸۱۴۷ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۰ تدابیری را اندیشیده است. در پی همین تدبیر، نظارت بر کودک در خارج از کشور توسط مراجع ذی‌صلاح فرزندخواندگی در کشور محل اقامت صورت خواهد گرفت. مراجع ذی‌صلاح مذکور باید پیش از تحویل کودک به سرپرستان، متعهد شوند تا زمان رسیدن کودک یا نوجوان به سن ۱۸ سال، بر وضعیت خانواده و کودک نظارت کنند و در دوره‌های زمانی مقرر در ضوابط و مقررات

سازمان بهزیستی، گزارش‌های خود را به سفارت‌خانه، دفاتر حفاظت از منافع یا کنسول‌گری‌ها ارسال کنند(دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون).

به‌رغم کلیه پیش‌بینی‌ها و تمهیدات قانونی، امکان خروج کودک به همراه سرپرستان در دوره سرپرستی آزمایشی عملاً وجود ندارد؛ زیرا تا قبل از صدور حکم سرپرستی دائم، نام کودک در شناسنامه سرپرستان ثبت نمی‌شود و به همین دلیل، کشور مقصد به سبب عدم اثبات رابطه والد - فرزندی بین کودک و سرپرستان، در این دوره پذیرای کودک در کشور خود نخواهد بود.

۳- حمایت مادی و معنوی قانون‌گذار از کودک یا نوجوان تحت سرپرستی

روح حاکم بر قانون مبتنی بر حمایت مادی و معنوی از کودک یا نوجوان است. این امر را قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸؛ ۱۹، ۲۱ و نیز تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به منصفه ظهور گذاشته است. ارائه روش‌های تأمین منافع مادی کودک در قالب تملیک اموال، تعهد کتبی به تملیک بخشی از اموال یا حقوق در آینده، تعهد به پرداخت تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی، عدم قطع مستمری متعلق به کودک از والدین زیستی یا والدین فرزندپذیر، برخورداری از مزایای مستمری وظیفه والدین فرزندپذیر، برخورداری مادرخوانده از مرخصی دوره مراقبت برای مراقبت از کودک زیر سه سال و برخورداری والدین فرزندپذیر از حق اولاد و مزایای بیمه اجباری و تکمیلی وفق مقررات قانونی^۱، جنبه‌هایی از حمایت‌های مادی و غیرمادی به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی است.

دوره آزمایشی مقدمه فرزندخواندگی است تا کودک در اختیار متقاضیان قرار گیرد و خانواده پذیرنده و مقامات عمومی اطمینان یابند که فرزندخواندگی ممکن و مفید است. در واقع، صدور حکم سرپرستی منوط به طی این مرحله است. در این دوره هیچ رابطه حقوقی بین کودک و خانواده به وجود نمی‌آید و همه امور تحت نظارت کامل دادگاه و سازمان بهزیستی است و جنبه آزمایشی دارد (رضایی، نصر، الوند، ۱۳۸۷، ص ۴۵). این دوره حسب مورد با صدور حکم سرپرستی یا فسخ قرار آزمایشی تحت نظارت دادگاه و نظر کارشناسی سازمان بهزیستی به اتمام خواهد رسید. براساس ماده ۱۲ قانون، دادگاه می‌تواند در دوره سرپرستی آزمایشی، در صورت زوال یا عدم تحقق هر یک از شرایط مقرر در

۱ به استناد ماده ۲۱ قانون، شخصی که سرپرستی افراد تحت حمایت این قانون را بر عهده می‌گیرد، از مزایای حمایتی حق اولاد و مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره زایمان) بهره‌مند است.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و به تقاضای دادستان یا سازمان بهزیستی، قرار صادره را فسخ کند. از این رو، چنانچه شرایط سرپرستان که در ماده ۶ به صراحت بیانده است، از بین برود یا محقق نشود، شرایط فسخ قرار آزمایشی محقق خواهد شد. به تجویز ماده ۱۳ قانون، در صورتی که بعد از پایان دوره آزمایشی، وضعیت خانواده بنابر نظریه کارشناسی سازمان بهزیستی مناسب تشخیص داده شود و متقاضیان سرپرستی، تعهدات مالی به نفع کودک یا نوجوان را در اجرای مواد ۱۴ و ۱۵ قانون انجام دهند و نیز مشکلی در خصوص ادامه سرپرستی وجود نداشته باشد، دادگاه حکم سرپرستی صادر خواهد کرد.

۴- تکلیف سازمان بهزیستی از زمان صدور حکم سرپرستی تا زمان فسخ یا اتمام

دوران سرپرستی

سازمان بهزیستی مکلف به نظارت بر وضعیت کودک یا نوجوان تا پایان دوره سرپرستی است. این مهم از مواد ۲، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۳ قانون استنباط می‌شود.

۴-۱. نظارت بر کودک یا نوجوان تا پایان دوره سرپرستی

برابر ماده ۳۳ قانون، سازمان بهزیستی موظف است در طول دوره سرپرستی بر وضعیت کودک یا نوجوان واگذار شده نظارت کند. بر همین اساس باید گفت تکلیف قانونی سازمان بهزیستی مبنی بر نظارت بر کودک، بعد از اتمام قرار شش ماهه آزمایشی و صدور حکم دائم سرپرستی ادامه می‌یابد. در پاسخ به این سؤال که اتمام تکلیف نظارت سازمان بهزیستی تا چه زمانی است باید گفت برخلاف مشخص بودن شروع دوره سرپرستی که از لحظه تحویل کودک یا نوجوان به سرپرستان است، زمان اتمام با ابهام مواجه است؛ زیرا قانون‌گذار در هیچ‌یک از مواد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، سنی را برای پایان این دوره بیان نکرده است. به‌رغم عدم شفافیت این موضوع، دستورالعمل اجرایی سازمان بهزیستی طول دوره سرپرستی را از لحظه تحویل کودک تا سن هجده سالگی یا زمان فسخ حکم سرپرستی در نظر گرفته است. نظارت سازمان بهزیستی به صورت بازدید منزل مددکاری است که در ماه اول، ماه دوم تا ششم، ماهی یک‌بار، ماه هفتم تا پایان سال اول، یک‌بار و از سال دوم تا پایان ۱۸ سالگی یا زمان فسخ حکم سرپرستی، سالی یک‌بار باید انجام شود. البته در صورتی که سازمان بهزیستی به صورت مستقیم یا از طریق گزارش سایر اشخاص متوجه سوءرفتار با کودک شود، به قید فوریت از وضعیت زندگی بازدید و مداخلات تخصصی می‌کند؛ این مداخلات می‌تواند با انجام اقداماتی نظیر عرضه خدمات مشاوره‌ای، مددکاری، امداد ماهیانه یا تقاضای فسخ باشد (دستورالعمل اجرایی، ۱۳۹۷، ص ۴۵، ۱۰۱ و دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون).

رصد کردن خانواده از زمان تحویل کودک تا پایان دوره سرپرستی در بسیاری موارد با مشکلات اجرایی مواجه خواهد بود؛ زیرا ممکن است خانواده در طول این دوره بنا به دلایلی نظیر بیم آشکار شدن پذیرش فرزند در زمان بازدیدهای بهزیستی نزد دوستان و آشنایان، مخفی کردن موضوع از کودک، احتمال وجود کودک آزاری و ... با بهزیستی همکاری لازم را نکنند. دیگر آنکه ممکن است به جهت تغییر وضعیت خانوادگی، شغلی و ... سرپرستان محل سکونت خود را تغییر دهند و این موضوع را به بهزیستی اعلام نکنند. مهاجرت غیرقانونی به خارج از کشور به همراه کودک نیز از مواردی است که می‌تواند موضوع نظارت بهزیستی را ناممکن سازد. قانونگذار در این‌گونه موارد ابزار قانونی یا شبکه حمایتی برای بهزیستی پیش‌بینی نکرده است.

۲-۴. پیگیری تعهدات مالی سرپرستان به نفع فرد تحت سرپرستی

در اجرای ماده ۱۳ قانون، دادگاه صالح در صورتی حکم سرپرستی را بعد از پایان قرار آزمایشی شش‌ماهه صادر می‌کند که متقاضی سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را وفق ماده ۱۴ قانون به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کنند. البته چنانچه کودک یا نوجوان بدسرپرست تحت سرپرستی، در دوره سرپرستی آزمایشی شناسنامه نداشته باشد، امکان تملیک اموال به نفع کودک از طرف سرپرستان فقط پس از صدور حکم سرپرستی و صدور شناسنامه کودک میسر است؛ زیرا طبق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک و به تصریح ماده ۸ آیین‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷، احراز هویت متعاملان به موجب شناسنامه معتبر آنها صورت می‌پذیرد. همچنین برابر ماده ۲ قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی مصوب ۱۳۷۶ و بخش‌نامه شماره ۶۲۳۴ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۸ رییس‌جمهور و کد ۷۰۳ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی احراز هویت علاوه بر شناسنامه با کارت ملی نیز صورت می‌پذیرد. این در حالی است که کودک یا نوجوان بی‌سرپرست از زمان صدور قرار آزمایشی تا زمان صدور حکم سرپرستی فاقد اوراق هویتی یعنی شناسنامه و کارت ملی است. به همین سبب، قانون‌گذار در ماده ۱۴ از عدم امکان اخذ تضمین عینی از درخواست‌کننده به نفع کودک یاد کرده است و شاید بتوان گفت یکی از مصادیق عدم امکان اخذ تضمین عینی، نداشتن شناسنامه کودک باشد. با استنباط از ماده ۲ قانون، پیگیری انجام تعهدات مالی در این برهه برعهده سازمان بهزیستی است. بدیهی است در صورت عدم انجام تعهدات، سازمان بهزیستی برای حفظ منافع عالی کودک می‌بایست از طریق مرجع قضایی، سرپرستان را الزام به انجام تعهد کند. علاوه بر ماده ۱۴، قانون‌گذار به منظور حمایت‌های مالی از کودک یا نوجوان تحت سرپرستی، در ماده ۱۵ به صراحت بیان کرده است که سرپرستان باید با نظر سازمان بهزیستی، خود را نزد یکی از شرکت‌های بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی بیمه عمر کنند. ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی

نیز حکمی مشابه دارد. شایان ذکر است که تغییر شرایط اقتصادی کشور و نرخ تورم جهت تعیین میزان سرمایه‌ی عمر به نفع کودک امری است که باید مورد اهتمام سازمان بهزیستی باشد.

۴-۳. حفظ اسناد و مدارک کودک یا نوجوان تحت سرپرستی

از دیگر وظایف سازمان بهزیستی پس از صدور حکم سرپرستی تا پایان دوره سرپرستی، حفظ اسناد و مدارک کودک یا نوجوان تحت سرپرستی است؛ زیرا وفق ماده ۸ کنوانسیون جهانی حقوق کودک ۱۹۸۹، حکومت‌های عضو پیمان موظف‌اند هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته‌شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ کنند. از سوی دیگر، در ماده ۳۱ قانون ۱۳۹۲ مقرر شده است: «ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی، جز به سرپرست یا سرپرستان صرفاً در صورت ضرورت، با رعایت مصلحت کودک یا نوجوان و اجازه دادگاه امکان‌پذیر است». از تجمیع این مواد، ضرورت حفظ اسناد و مدارک و پیشینه کودک یا نوجوان توسط سازمان بهزیستی آشکار می‌شود. به‌همین منظور از زمان پذیرش کودک در بهزیستی باید مشخصات کودک با جزئیات کامل ثبت شود (بین‌نامه فرزندخواندگی، ۱۳۸۵).

پس از صدور حکم سرپرستی و صدور شناسنامه برابر آیین‌نامه ماده ۲۲ قانون، باید تصاویر شناسنامه کودک و سرپرستان توسط اداره ثبت احوال به اداره بهزیستی ارسال شود تا در پرونده فرزندپذیری کودک حفظ و نگهداری شود. علاوه بر تصاویر شناسنامه، حفظ تصاویر مربوط به آراء سرپرستی، شناسنامه قبلی کودک یا نوجوان، مدارک مربوط به تعهدات مالی به نفع کودک یا نوجوان و قراردادهای بیمه در سوابق سازمان بهزیستی الزامی است (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲-۱۰۳).

۴-۴. تقاضای فسخ حکم سرپرستی

چنانچه پس از صدور حکم سرپرستی و قطعیت آن، به هر دلیل وضعیت کودک در خانواده نامطلوب گزارش یا مشاهده شود، در این صورت براساس ماده ۲۴، دادستان و سازمان بهزیستی در مقام متقاضی فسخ سرپرستی قرار دارند. البته سازمان بهزیستی در صورت اطلاع از وضعیت نامطلوب کودک در خانواده، باید فوراً مداخلات کارشناسی کند. چنانچه مداخلات کارشناسی سازمان بهزیستی مؤثر واقع نشود، یقیناً تقاضای فسخ حکم سرپرستی از دادگاه صالح، امری است که به منظور حفظ منافع عالی کودک یا نوجوان باید پیگیری شود (دستورالعمل اجرایی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵). مقنن در ماده ۲۵ قانون، موارد فسخ را برشمرده است. برابر این ماده، حکم سرپرستی، بعد از اخذ نظر کارشناسی سازمان بهزیستی، در موارد زیر فسخ می‌شود: الف. هریک از شرایط مقرر در ماده ۶ این قانون منتفی شود؛ ب. تقاضای سرپرست منحصر یا سرپرستان، در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هر یک از

آنان تحملناپذیر باشد؛ ج. طفل پس از رشد با سرپرست منحصر یا سرپرستان توافق کند؛ د. مشخص شدن پدر یا مادر یا جدپدیری کودک یا نوجوان یا وصی منصوب از سوی ولی قهری، در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه دارا باشند.

۴-۵. ازدواج سرپرستان

موضوع ازدواج سرپرست در فروض مختلفی مطرح است. چنانچه دختر یا زن بدون شوهری که سرپرستی کودک انانث را طبق بند (ج) ماده ۵ پذیرفته است ازدواج کند، جدایی و طلاق والدین فرزندپذیر نیز فروض دیگری را برای احتمال ازدواج سرپرستان به همراه دارد. از آنجاکه ازدواج سرپرست و زندگی کودک تحت سرپرستی نزد شخصی به غیر از اشخاصی که مقنن آن‌ها را به سمت سرپرستی برگزیده است، بی‌تأثیر بر وضعیت زندگی کودک در خانواده نیست، به همین دلیل، قانون‌گذار تعیین وضعیت سرپرستی کودک بعد از ازدواج سرپرستان را مورد حکم قرار داده است. برابر ماده ۲۶، «هرگاه سرپرست درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد موردنظر را به دادگاه صالح اعلام کند. در صورت وقوع ازدواج، سازمان مکلف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام کند تا با حصول شرایط این قانون، نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک یا فسخ آن اتخاذ تصمیم کند». ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶، با هدف تبیین فرآیند اجرای صدر ماده ۲۶، مقرر کرده است هرگاه سرپرست درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد مورد نظر را به دادگاه صالح اعلام کند.

۴-۶. فوت، زندگی مستقل، جدایی یا طلاق سرپرستان

مطابق ماده ۲۰ قانون، در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هر یک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آنان، دادگاه می‌تواند با درخواست سازمان بهزیستی سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار کند. البته رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است. ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ در این باره مقرر داشته است: هر یک از سرپرستان مکلف‌اند در صورت فوت دیگری یا زندگی مستقل یا وقوع طلاق بین آنان، مراتب را به صورت کتبی به سازمان اعلام کنند. سازمان مکلف است پس از اطلاع و انجام بررسی‌های کارشناسی لازم، مراتب را همراه با درخواست به دادگاه اعلام کند تا دادگاه با در نظر گرفتن نظر مشورتی سازمان و نظر کودکان بالغ نسبت به واگذاری سرپرستی به یکی از زوجین یا شخص ثالث تصمیمی اتخاذ کند.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش، جایگاه و حدود و ثغور مداخله قانونی سازمان بهزیستی در فرآیند فرزندخواندگی انجام گرفت. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه‌های اجرایی مواد ۲۲ و ۳۶ همان قانون، نقش‌های متعدد و متفاوتی به بهزیستی داده است. قانونگذار در موارد صدور یا فسخ قرار آزمایشی و صدور یا فسخ حکم دائم سرپرستی و خروج کودک از کشور در دوره آزمایشی، سازمان بهزیستی را به‌عنوان مرجع کارشناسی پذیرفته است. علاوه بر آن، بهزیستی مکلف به نظارت بر وضعیت سرپرستی از زمان تحویل کودک تا پایان دوره سرپرستی است. از دیگر وظایف سازمان، الزام متقاضیان به انجام تعهدات مالی و بیمه عمر قبل از اتمام دوره سرپرستی آزمایشی و در زمانی است که کودک فاقد شناسنامه است. حفظ اسناد و مدارک کودک یا نوجوان تحت سرپرستی، مداخله کارشناسی در صورت ازدواج سرپرستان یا فوت و زندگی مستقل و جدایی یا طلاق آنان نیز وظایف دیگری است که به بهزیستی محول شده است. محول کردن واگذاری امور راجع به سرپرستی مندرج در ماده ۲ قانون به بهزیستی، موجب شده است تا مرجعیت کارشناسی این سازمان تا حد زیادی با سبک و سیاق مقنن جهت وظایف کارشناسی متفاوت باشد. در امور حقوقی، دادگاه می‌تواند راساً یا به درخواست یکی از طرفین موضوع را به کارشناسی ارجاع دهد؛ اما قانونگذار در این قانون از رویه معمول خود فاصله گرفته و قضات را مکلف کرده است تا در صدور رأی سرپرستی نظریه کارشناسی بهزیستی را اخذ کند. همچنین اعتبار نظریه کارشناس با دادگاه است. به عبارت دیگر، دادگاه الزامی به پذیرش نظریه کارشناس ندارد. برخلاف این اصل، قانون‌گذار در ماده ۱۲ و ۱۳ مقرر داشته است: دادگاه با احراز شرایط مقرر قانونی و با لحاظ نظریه سازمان، نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی شش‌ماهه و پس از آن صدور حکم سرپرستی اقدام می‌کند. از دیگر موارد بدیع قانون آن است که سازمان بهزیستی حق اعتراض به آراء سرپرستی را دارد؛ در حالی که کارشناس به جهت عدم نفع شخصی در پرونده، حق اعتراض به رأی محکمه را ندارد.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این است که سازمان بهزیستی در جهت اعمال قانون و اجرای تکالیف خود با مشکلات ذیل مواجه است:

۱. مطابق ماده ۱۱ قانون، تقاضانامه متقاضیان سرپرستی باید به سازمان بهزیستی ارائه شود و سازمان مکلف است حداکثر بعد از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی، آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. اجرای این ماده از نظر مهلت دوماهه در عمل با مشکلات اجرایی مواجه است؛ زیرا سازمان بهزیستی برابر تکلیف مقرر در این ماده می‌بایست نسبت به پذیرش یا رد تقاضای متقاضیان با مدارک

مستند نظیر پاسخ استعلام از سازمان پزشکی قانونی، اداره تشخیص هویت، مشاور فرزندخواندگی اظهار نظر کارشناسی کند. بی تردید انجام این نوع اقدامات نیازمند مهلت بیشتری است. در واقع، سبک و سیاق ماده با شیوه‌ای که تصویب شده، به نوعی تکلیف مالایطاقی برعهده سازمان بهزیستی است. از سوی دیگر در بسیاری از مواقع و در زمان مراجعه متقاضیان، کودک متناسب با شرایط متقاضیان در مراکز سازمان بهزیستی وجود ندارد.

۲. تصویب ماده ۳۰ و تبصره ۲ ماده ۶ راه ناصواب را در پیش گرفته است. در نظر گرفتن حق تقدم برای یابندگان طفل و اشخاص مصرح در ماده ۳۰ قانون جهت سرپرستی از کودکان در دو ماده اخیر می‌تواند سازمان بهزیستی را با سرپرستانی مواجه کند که واجد شرایط قانونی نیستند، اما امکان جدایی کودک نیز از آنان به سبب انس و الفت ایجاد شده فیمابین وجود ندارد.

۳. عدم امکان نظارت بر وضعیت کودک در خانواده بنا به دلایلی نظیر عدم همکاری خانواده با بهزیستی، عدم اطلاع از تغییر محل سکونت به بهزیستی، مهاجرت غیرقانونی به خارج از کشور موضوعی است که قانونگذار به آن نپرداخته است. امری که می‌تواند تکلیف سازمان بهزیستی را جهت نظارت تا پایان دوره سرپرستی، با اشکال مواجه کند و حتی آن را ناممکن سازد.

منابع

آذرتاش، آذرنوش (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
آریان پور کاشانی، عباس (۱۳۸۴). فرهنگ دانشگاهی آریان پور. تهران: امیرکبیر، چاپ ۲۹.
امامی، اسدالله (۱۳۷۰). وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران. فصل‌نامه علوم انسانی، ۲ (۴۴)، ص ۲۲-۳۳.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر گنج دانش.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
رزاقی، رضا (۱۳۸۵). چکیده‌ای بر فرزندپذیری. تهران: نشر اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.

_____ (۱۳۹۶). مراقبت و توانمندسازی کودکان دور از خانه. تهران: نشر کتاب ارجمند با همکاری انتشارات ارجمند.

رضایی، فاطمه (۱۳۹۶). نقش، جایگاه و حدود و ثغور مداخله سازمان بهزیستی در فرآیند فرزندخواندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

_____؛ نصر، ولی‌الله؛ الوند، حمیدرضا(۱۳۸۷). حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی. تهران روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.

سلطوتی، مریم(۱۳۹۱). نقش مددکاری اجتماعی و پیش‌گیری از آسیب اجتماعی خانواده. تهران: نشر سازمان بهزیستی.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۲) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۶) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲.

آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷.

دستورالعمل اجرایی ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۶ همان قانون مصوب ۱۳۹۴ به شماره ۷۰۰/۹۷/۴۸۱۴۷ مورخه ۱۳۹۷/۴/۱۰.

ضوابط و مقررات مددکاری اجتماعی در مراقبت شبانه‌روزی از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به شماره ۸۲۰/۱۲۵۸۴ مورخه ۱۳۸۴/۹/۱۹.

قانون اجازه الحاق جمهوری اسلامی ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک ۱۹۸۹ مصوب ۱۳۷۳.

قانون اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶.

قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰.

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.

ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹.

Save the Children(2003). *A last resort: The growing concern about children in residential care*, London, UK. Oxford University press.